



رمان خوانی را با چه کتاب‌هایی شروع کنیم؟

معمولاً یکی از دغدغه کسانی که می‌خواهند تازه شروع به خواندن رمان کنند، انتخاب کتاب مناسب برای شروع است. به هر حال شروع هر کاری اهمیت زیادی دارد و نباید با انتخاب اشتباه فرد در همان شروع خسته شود و دیگر کار را ادامه ندهد. اگر بخواهیم کتاب‌های چند نویسنده ایرانی را برای شروع انتخاب کنیم، به نام‌های بزرگی چون جلال آل احمد، محمود دولت‌آبادی، بزرگ علوی و چندین تن از نویسندگان جوان حال حاضر می‌رسیم. این نویسندگان، در داستان‌پردازی به استادی تمام رسیده‌اند و خواندن آثارشان حسی دلچسب و شیرین به خواننده می‌دهد. ضمن اینکه داستان‌نویسان بزرگ ایرانی، دانش کافی و لازم را در انتخاب واژگان مناسب داشتند و هنگام خواندن کتاب‌هایشان با واژه‌های جدید و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های زیادی آشنا می‌شوید.

در میان نویسندگان خارجی، ما با دریایی از آدم‌های بزرگ طرف هستیم که رسیدن به چند نام مشخص سخت به نظر می‌رسد. از کتاب‌های نویسنده‌ای مثل کیمیاگر، عقاید یک دلک، بزرگ، ناتور دشت، کافکا در کرانه، مرگ ایوان ایلیچ، بادبک باز نمونه‌هایی عالی برای شروع رمان‌خوانی هستند.

با خواندن چندین رمان، افراد به شناختی نسبی از سلیقه خود و نویسنده مورد علاقه‌شان دست پیدا می‌کنند و همین کارشان را در ادامه راحت می‌کنند؛ مثلاً کسی با خواندن آثار گارسیا مارکز می‌فهمد به رئالیسم جادویی علاقه دارد یا شخصی دیگری با کتاب‌های ماریو بارگاس یوسا علاقه‌اش به رمان‌های سیاسی را درک می‌کند و فرد دیگری با خواندن رمان‌های نویسندگان روسی و اروپایی تم فلسفی آنان را می‌پسندد.

جهان کتاب‌ها و رمان‌ها، مثل راهی هزارتو آدمی را به مسیرهای مختلفی وصل می‌کند. مهم شروع و خواندن با عشق و علاقه است. پس از آن جهانی که به واسطه کتاب‌ها پیش رویتان باز می‌شود، شما را به دنیاهای مختلفی می‌برد. جهان‌هایی پر از رمز و راز و شگفتی که نمی‌توان پایانی برایش متصور شد.

است. بنابراین کسانی که در جوانی رمان‌خوان حرفه‌ای بوده‌اند در سنین پیری ذهن فعال‌تری دارند و کمتر درگیر اختلالات حافظه می‌شوند.

تقویت هوش هیجانی

هنگام رمان خواندن، ذهن انسان فقط کلمات را نمی‌خواند بلکه در حال تصویرسازی و پرداختن به رؤیاست. چنین چیزی خلاقیت ذهن را افزایش می‌دهد و به رشد هوش هیجانی کمک می‌کند. هنگام خواندن رمان، خواننده با غم و شادی شخصیت‌ها شریک می‌شود و با آنها همذات‌پنداری می‌کند. چنین فرایندی کمک زیادی به تقویت هوش هیجانی می‌کند و موجب می‌شود تا در موقعیت‌های مختلف بهتر دیگران را درک کنیم و با آنها ارتباط بگیریم.

رمان خواندن موجب افزایش دایره لغات شخص و شیوایی کلام می‌شود.

اگر با کتابخوان‌های حرفه‌ای صحبت کرده باشید، متوجه می‌شوید آنها چقدر شیوا و خوب صحبت می‌کنند و با استفاده از واژه‌های مختلف خیلی بهتر می‌توانند منظورشان را برسانند.

ضمن اینکه رمان‌خوان‌های حرفه‌ای، هنگام صحبت با دیگران، آرام و منطقی رفتار می‌کنند و در لحظات مختلف زندگی واکنش‌های بهتری از خود نشان می‌دهند.

اگر هنوز بابت فواید مطالعه رمان قانع نشده‌اید باید این را هم بدانید خواندن داستان ذهن ما را از آشفتگی نجات می‌دهد و قدرت خلاقیت‌مان را بالا می‌برد.

ذهن انسان، شیفته داستان است و خواندن داستان‌های مختلف، ذهن را از پراکندگی نجات می‌دهد و منسجم می‌کند.

نتایج تحقیقات مختلف نشان داده مطالعه کتاب‌های داستانی به پردازش اطلاعات مغز ما کمک می‌کند.

گاهی ممکن است با تمام کردن یک رمان، چند جمله طلایی از دل کتاب چنان آموزنده و مفید باشد که همان چند جمله کار اصلی را برایتان انجام دهد.

این تجربه بسیاری از رمان‌خوان‌های حرفه‌ای است. آنها در پایان، گل مطلب را بیرون می‌کشند و زندگی‌شان را با همان جملات می‌سازند.

پویایی در آن اتفاق می‌افتد. یعنی وقتی شما به جای تلویزیون دیدن که فقط ذهن‌تان گیرنده است مشغول خواندن رمان می‌شوید، ذهن‌تان را وارد فرایندی پیچیده از آشنایی با مفاهیم می‌کنید. دقیقاً به همین خاطر می‌گویند رمان خواندن بهترین ورزش برای ذهن

تماشای تلویزیون ما بدون هیچ حرکت یا زحمتی فقط در حال دریافت صدا و تصویر هستیم در حالی که هنگام رمان خواندن ما و ذهن‌مان هستیم که فعالیت دارد و بخش مهمی از کار را انجام می‌دهد. زمانی که ذهن هنگام فعالیت در حال بده و بستان است، رشد و

دیدن جهان از زاویه دیدن نویسنده‌ها

متأسفانه برای عموم مردم واژه «رمان» با تعابیری مثل داستان‌های عاشقانه آیکی یا داستان‌هایی سطحی درباره عشق‌های نوجوانی و جوانی گره خورده است. چنین بلایی را چاپ رمان‌های بی‌کیفیت در سال‌های نه چندان دور بر سر کتاب‌های داستانی آورده است. پس همین اول کار، تکلیف‌مان را روشن کنیم که منظورمان از خواندن رمان، به هیچ عنوان مطالعه داستان‌های عاشقانه و از این دست مسائل نیست.

هنگامی که از رمان خواندن صحبت می‌کنیم، منظورمان خواندن آثار نویسندگان بزرگ با جهان‌بینی عمیق است. برای مثال نویسندگانی مثل ارنست همینگوی، گابریل گارسیا مارکز، لئو تولستوی یا هاروکی موراکامی که با نوع نگاه متفاوت و جزئی‌نگریشان به زندگی و تجربه زیست ناپشان، خواننده را در کتاب به دنیای شگفت‌انگیزی از اتفاقات مختلف و شخصیت‌های گوناگون می‌برند و او را با ماجراهای زیادی آشنا می‌کنند.

نویسندگان بزرگ و باتجربه زیادی در سراسر جهان هستند که حرف‌ها، تجربه‌ها و جهان‌بینی‌شان را در قالب داستان و رمان با دیگران به اشتراک گذاشته‌اند. خواندن رمان‌های چنین نویسندگانی فرصتی مغتنم برای هر انسانی است، چرا که شما به عنوان خواننده وارد جهان انسان دیگر می‌شوید و دنیا را از منظر او نگاه می‌کنید. به قول نویسنده معروف جورج آر. آر. مارتین، کسی که کتاب نمی‌خواند تنها یک بار زندگی می‌کند اما کسی که کتاب می‌خواند پیش از مرگ هزاران بار زندگی کرده است.

مثلاً وقتی «پیرمرد و دریا» را از همینگوی می‌خوانیم، خیلی ظریف و زیبا با مفهوم پیروزی و شکست در زندگی آشنا می‌شویم. نویسنده به جای شعار دادن و سخنرانی کردن، در قالب داستانی خواندنی، ما را با زندگی، موفقیت و ناکامی‌های پیرمردی ماهیگیر آشنا می‌کند و یکی از حقیقت‌های مهم زندگی را پیش روی خواننده می‌گذارد.

ورزش ذهن

اما این فقط بخشی از ماجراست. رمان خواندن به عنوان تفریح یا فرصتی برای گذر از ملال زندگی، مغز را بشدت درگیر مفاهیم تازه‌ای می‌کند. وقتی شما برای اوقات فراغت، زمان‌تان را با تلویزیون یا تلفن همراه پر می‌کنید، مغز شما به عنوان یک گیرنده محض، فعالیت زیادی ندارد ولی به هنگام خواندن رمان، مغز درگیر فعالیتی سازنده می‌شود. هنگام

آیا رمان خواندن به درد زندگی‌مان می‌خورد؟ لذت هزاران بار زندگی پیش از مرگ

احمد محمدتیریزی
روزنامه‌نگار

اگر یک رمان‌خوان حرفه‌ای و خوره کتاب باشید، به احتمال زیاد این حرف را از اطرافیان‌تان شنیده‌اید که خواندن رمان چه سودی دارد و کتاب‌هایی بخوانید که به دردتان بخورد. چنین گزاره اشتباهی در ذهن افراد زیادی از عامه مردم وجود دارد که خواندن رمان و داستان وقت تلف کردن است و هیچ افزوده‌ای ندارد. شاید توضیح چنین اشتباهی برای کسانی که علاقه‌ای به رمان خواندن ندارند، کمی سخت به نظر برسد. پس اینجا به صورت مفصل در این باره صحبت می‌کنیم و از فواید خواندن رمان در زندگی می‌نویسیم.

